

پنج چراغ

☀️ چراغ اول: کشت اول، کشت هوشیاری حضور.

گر بروید، ور بریزد صد گیاه
عاقبت بر روید آن کشته اله

کشت نو کارید بر کشت نخست
این دوم فانی است آن اول درست

کشت اول کامل و بُگزیده است
تخم ثانی فاسد و پوسیده است
مثنوی، دفتر دوم، ابیات ۱۰۵۷ تا ۱۰۵۹

ما به این جهان آمدیم و با چیزها همانیده شدیم. همانیدگیها میافتند و ما دوباره با چیزهای جدید همانیده می شویم و کشت دوم که همان من ذهنی توهمی است را قوت می بخشیم. ولی تنها ماموریت من ذهنی این است که ما را آگاه کند به اینکه ما من ذهنی و آفل نیستیم بلکه از جنس کشت اول یعنی زندگی و هوشیاری حضور هستیم و باید به بی نهایت و فراوانی خدا زنده شویم.

☀️ چراغ دوم: خدا یا زندگی در هر لحظه در کار جدیدی است.

🌸 هر لحظه و هر ساعت یک شیوه نو آرد

شیرین تر و نادرتر زان شیوه پیشینش
دیوان شمس، غزل ۱۲۲۷

زندگی لحظه به لحظه با شیوه جدیدی می خواهد ما را از دست من ذهنی آزاد کند و ما باید در اطراف اتفاق این لحظه فضا باز کنیم تا زندگی بتواند با شیوه جدیدش زندگی ما را سامان دهد و به خودش زنده کند.

☀️ چراغ سوم: باب صغیر

ساخت موسی قدس در، بابِ صغیر 
تا فرود آرند سر قوم زحیر

زانکه جباران بُدند و سرفراز 
دوزخ آن بابِ صغیر است و نیاز
مثنوی، ابیات ۲۲۹۶ و ۲۲۹۷

هر رویدادی در این لحظه باب صغیر است و ما باید سر من ذهنی که گردنکش و مقاومت کننده است را خم کنیم یعنی فضا را باز کنیم و با اتفاق این لحظه ستیزه نکنیم و با حضور تسلیم شویم شکر و صبر کنیم و بگذاریم قضا و کن فکان روی ما کار کند تا دچار درد نشویم.

 چراغ چهارم: قرین

از قرین بی قول و گفتگوی او 
خو بدزد دل نهان از خوی او
مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۲۶۳۶

می رود از سینه ها در سینه ها 
از ره پنهان صلاح و کینه ها
مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۴۲۱

بیار آن که قرین سوی قرین کَشدا 
فرشته را ز فلک جانبِ زمین کَشدا
دیوان شمس، غزل ۲۲۸

ارتعاش زندگی و ارتعاش درد بدون صحبت، از سینه ای به سینه دیگر نفوذ می کند. پس با خدا و انسان هایی چون مولانا و آقای شهبازی عزیز که به بینهایت او زنده شده اند، همنشین شویم تا ما هم به زندگی و بی نهایت آن زنده گردیم.

🌞 چراغ پنجم: فضا گشایی

🌸 حکم حق گسترد بهر ما بساط

که بگویند از طریق انبساط

مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۶۷۰

اشتغال به فضا گشایی کار اصلی ماست و خدا به ما حکم کرده که هر لحظه فضاگشایی کنیم و در هر گفته و در هر عمل، با خدا از طریق انبساط حرف بزنیم نه با انقباض. که انقباض هیجانات منفی از جمله ترس و خشم را در ما بوجود می آورد. پس فضا را باز کنیم و مرکز مون را عدم کنیم تا خداوند بتواند این زندگی به تله افتاده در همانیدگیها را آزاد کند و شادی بی سبب از اعماق وجودمان بجوشد و آفریننده شویم.

💧 ✨ این سخن آبیست از دریای بی پایان عشق

✨ 🌱 تا جهان را آب بخشد، جسمها را جان کند ✨

🌸 با سپاس فراوان

شهر از اتریش